

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

دوشنبه ۱ دی ۱۴۰۴ • رجب ۱۴۴۷ • ۲۲ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۸۶ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۷:۰۱



مراسم رونمایی از دو آلبوم «یادگاری جاودانه» و «بانک دهل» با صدای «محمدرضا شجریان»، عصر شنبه در موزه هنرهای معاصر برگزار شد. این دو آلبوم منتشر نشده از مرحوم «محمدرضا شجریان» شامل آثار آخرین اجرا در تور کنسرت‌های اروپاست که با استفاده از هوش مصنوعی تفکیک و بازتطبیح شده‌اند. عکس: نگین همت‌زاده، ایسنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

درس آرال را برای دریاچه ارومیه نیاموختیم



مهدی زارع

دریای آرال –آمودریا و سیردریا– به طور گسترده سدسازی شد و آب از طریق کانال‌ها منحرف شد. این دریاچه تا دهه ۲۰۰۰، حدود ۹۰ درصد از حجم خود را از دست داد و به چندین دریاچه کوچک‌تر تقسیم شد. فروپاشی زیست‌محیطی و شوری زیاد باعث کشته‌شدن بیشتر گونه‌های ماهی بومی و فروپاشی صنعت ماهیگیری شد. در بحران سلامت، گردوغبار سمی ناشی از باد (مخلوط با نمک و مواد شیمیایی کشاورزی) از بستر دریا که در معرض دید قرار گرفته بود، باعث بیماری‌های تنفسی، سرطان‌ها و مرگ‌ومیر بالای نوزادان در نزدیکی شد. با افول اقتصادی، بنادر سابق کیلومترها دورتر از آب به گل نشستند و کسب‌وکارهای وابسته به ماهیگیری ویران شدند. تغییرات اقلیمی منطقه‌ای با از دست دادن اثر تعدیل‌کننده دریاچه منجر به تابستان‌های گرم‌تر و زمستان‌های سردتر شد.

فاجعه دریای آرال درس عبرتی آشکار در مورد تغییرات زیست‌محیطی ناشی از انسان و پیامدهای اولویت‌دادن به اهداف اقتصادی کوتاه‌مدت بر پایداری اکوسیستم است.

گردوغبار ناشی از باد از دشت‌های نمکی سمی، آلوده به آفتکش‌ها و کودهای کشاورزی، یک خطر عمده برای سلامت عمومی ایجاد و زمین‌های کشاورزی اطراف را بیشتر تخریب کرد. گرد و غبار و آب آلوده منجر به نرخ بالای بیماری‌های تنفسی، سرطان‌ها و سایر مشکلات بهداشتی در بین جمعیت محلی شد، به طوری که در

یادداشت

اسطوره‌های سر میز و میدان نشین



محمد بلوچ‌زهی

همان «شمشوک بلوچ» که با دانش بومی موسیقایی خاص خود وفلکلورخوانی‌اش

در خارج از وطن، به «شمشوک ایرانی» شهره است و همان «زبیده آزادی» که با سینه

مالامال از لالایی‌های رو به زوال رفته بسیار نیز محبوب است و هشتاد هر دوشان نزد

ملل همسایه همچون امارات، پاکستان، عمان، کویت، بحرین، افغانستان، ارمنستان و

برخی از کشورهای آفریقایی، اما متأسفانه در کشور خود کمتر می‌شناسند ایشان را و

هیچ همت و جهدی ورزیده نشده در ثبت و ضبط آثار این استادان و توجهی نسبت به

معیشت‌شان نشده است.

همان‌هایی که تا هستند قدر دانسته نمی‌شوند و مورد بی‌مهری و غفلت قرار می‌گیرند و سر پیری و ازکارافتادگی یا به وقت بیماری و ناخوش‌احوالی، سرگردان این اداره و آن ارگان دولتی می‌شوند. اما همین که درگذشتند و رخت بستند از این جهان برپنج، می‌شوند اسطوره‌های سر میز و میدان نشین همان مدیران و شهرهای محل سکونت خویش!

آخر این دور تسلسل مرده‌پرستی ما ایرانی‌ها را چه زمان پایانی خواهد بود؟! چرا باید مفاخر ما تا زنده هستند قدر دانسته نشوند و بر صدر ن‌نشانده نشوند، اما همین که چشم فروبستند از هستی، حتی همان مسئول فرهنگی و نیز مدیر شهری که نام هنرمند را به وقت حیاتش یک بار هم به‌خوبی بر زبان نیاورده و از کوچک‌ترین توجه و خدمتی دریغ ورزیده، یکباره سردیس و المان و پرتزه‌های آنها را بر سر میز مدیریت و در دل میدان‌های شهر مزین می‌کنند؟ چرا آخر چنین می‌کنیم ما با خود و تاریخ و فرهنگ و داشته‌های فرهنگی خویش؟! چرا؟ حدود دو دهه پس از درگذشت «ملا کمالان هوت»، اسطوره نامدار موسیقی بلوچستان، حالا بر سر هر میدان محل سکونتش یعنی چابهار و بر روی میز هر مسئول و مدیر فرهنگی و غیرفرهنگی که ارادت خویش را به فرهنگ و هنر بلوچ به اثبات برساند، المان و سردیس این شخصیت والای فرهنگی فراوان زینت‌بخش شده و یک سالن اجرا نیز به نامش مزین! بیش باد و بیش اما...

به قول ما بلوچان، بعد از مرگ زانوی غم را بغل‌گرفتن چه سود! آب رفته به جوی برمی‌گردد مگر! استاد «کمالا» با آثارش در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ تمام خ‌های موجود رسانه‌ای و مدنی و تاریخی و ادبی و... بلوچان را آن زمان یکتا‌ته پر کرد و مکتوب و نیازهای فرهنگی و روز جامعه را نیز هم برطرف. مگر خانه‌ای بود در بلوچستان که صدای «کمالان» ظنین‌انداز نشود در آن؟ اما همین اسطوره سر میز و میدان‌نشین اکنون مدیران، حتی یک اثر ضبط‌شده رسمی ندارد و ردپایی در ارگان‌های فرهنگی و فره دیده نمی‌شود مگر فقط همان یک تجلیل فرهنگستان هنر در زمان میرحسین موسوی که آن‌هم استاد شجریان بود بانی‌اش. حال پیش از آنکه این دور تسلسل تکرار شود و دانش فرهنگی و هنری آن همه یگانه مفاخر زیر تلی از خاک مدفون شود، دست به کار باید شد. وگرنه «اسطوره‌های سر میز و میدان‌نشین» ساختن از استادان گران‌هنر خود، خودزنی است و تیشه بر ریشه زدن.

۶۶۱ میلیون مترمکعب

بررسی آمار شرکت ملی گاز ایران نشان می‌دهد در پی افزایش برووت هوا و ادامه استفاده گسترده از وسایل گرمایشی، تقاضا در بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء، ادامه دارد. مصرف بخش خانگی، تجاری و صنایع جزء، طی روزهای گذشته ۳۹۰۱۴ میلیون مترمکعب و ۴۱۰۲۲ میلیون مترمکعب و ۶۶۱ میلیون مترمکعب در روز را پشت سر گذاشته است. این میزان مصرف نزدیک به ۷۸ درصد از کل گاز تحویلی به شبکه کشور است.

بی‌بی‌سی: یک مهندس زن آلمانی به عنوان نخستین فرد دارای معلولیت در جهان با فضاییامی شرکت بلو اورجین به فضا رفت. اول هفته میثائلا بنتهاوس به فضا پرتاب شد و در ارتفاع حدود ۱۰۰ کیلومتری از سطح زمین، به نقطه‌ای که به «خط کارمان» (مرز بین آتمسفر زمین و فضا) معروف است، رسیدند. این سفر استثنایی و اولین تجربه حضور یک فرد با این مشخصات در فضا بود.

پرسش نهایی این است: آیا نظام آموزشی حاضر است مسئولیت دشوار مدیریت فرهنگی را بپذیرد یا ترجیح می‌دهد با ممنوعیت، از پیچیدگی مسئله عبور کند؟ تجربه و علم هر دو یک پاسخ مشترک دارند: ممنوعیت آسان است، اما تربیت، هرگز.

✎ مسئول پیشین برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی و هنری در آموزش و پرورش

اندوه‌خوانی

موسیقی در حاشیه

ممنوعیت آسان، تربیت دشوار



سعید خادمی*

هر بار که موضوع موسیقی در مدارس به صدر اخبار می‌آید، به‌جای گفت‌وگویی مبتنی بر تربیت و علم، شاهد واکنش‌هایی هستیم که بیشتر از جنس احتیاط، حذف و انکار است. گویی با حذف موسیقی، مسئله تربیت حل می‌شود. این در حالی است که پرسش اساسی‌تر همچنان مغفول مانده است: مدرسه در مواجهه با موسیقی باید حذف‌کننده باشد یا هدایت‌گر؟ در ادبیات روان‌شناسی رشد، موسیقی یک عنصر حاشیه‌ای با تزئینی تلقی نمی‌شود. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که آموزش فعال موسیقی– نه صرفا پخش منفعلانه– می‌تواند به بهبود کارکردهای شناختی مانند حافظه، تمرکز و مهارت‌های اجرایی کمک کند. کودکانی که در فعالیت‌های موسیقایی ساختارمند مشارکت دارند، معمولاً توانایی بیشتری در یادگیری، کار گروهی و تنظیم هیجان از خود نشان می‌دهند.

از منظر تربیتی، موسیقی تنها ابزار سرگرمی نیست؛ بلکه زبان غیرمستقیم تربیت است. در سنین کودکی و نوجوانی، بسیاری از مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و هویتی نه از مسیر آموزش مستقیم، بلکه از طریق تجربه‌های عاطفی و جمعی منتقل می‌شوند. موسیقی، به‌ویژه در قالب‌هایی مانند سرود، یکی از مؤثرترین بسترهای این انتقال است؛ بستری که هم احساس تعلق ایجاد می‌کند و هم امکان هدایت محتوایی دارد.

با این حال، سیاست رسمی در قبال موسیقی در مدارس، اغلب دچار دوگانگی است. از یک سو بر «مفید بودن هنر» تأکید می‌شود و از سوی دیگر، با نخستین حاشیه، سادestرین گزینه یعنی حذف در دستور کار قرار می‌گیرد. این رویکرد نه مبتنی بر پژوهش است و نه بر تجربه عملی. نتیجه آن، مدرسه‌ای محتاط، معلمی لالاکلیف و فضای تربیتی تهی از ابزارهای مؤثر تنظیم هیجان است. واقعیت این است که نوجوان امروز، چه مدرسه بخواد چه نخواهد، مصرف‌کننده موسیقی است. حذف موسیقی از مدرسه، به معنای حذف موسیقی از زندگی نوجوان نیست؛ بلکه به معنای واکداری کامل این حوزه به فضای غیررسمی، بدون نظارت، بدون آموزش و بدون گفت‌وگوی انتقادی است. مدرسه‌ای که از موسیقی عقب‌نشینی می‌کند، در عمل نقش تربیتی خود را تضعیف می‌کند.

نگرانی نسبت به رواج برخی آثار بی‌محتوا یا دارای مضامین منفی– از جمله ابتدال کلامی، خشونت نمادین یا ترویج ناامیدی– نگرانی قابل انکاری نیست. اما پاسخ به این نگرانی، حذف کلی موسیقی نیست؛ بلکه تمایزگذاری، انتخاب آگاهانه و مدیریت تربیتی محتواست. تفاوتی بنیادین وجود دارد میان موسیقی رهانشده در فضای مجازی و موسیقی هدایت‌شده در مدرسه.

تجربه‌های اجرایی نیز این نکته را تأیید می‌کنند. نگارنده، به‌عنوان فردی با سابقه مدیریت فرهنگی و هنری در آموزش و پرورش، از جمله در دوره فعالیت در زیرمجموعه وزیر محترم فعلی آموزش و پرورش، شاهد بوده است که در دوره معاونت پرورشی و فرهنگی وزیر فعلی، با وجود محدودیت‌های جدی مانند پاندمی کرونا، فعالیت‌های هنری به‌ویژه در حوزه هنرهای آوایی و سرود، رشدی معنادار و قابل توجه داشت. این تجربه نشان می‌دهد که حتی در شرایط سخت نیز می‌توان هنر را در خدمت تربیت به کار گرفت. نه در تقابل با آن.

از این منظر، جمله «در مدرسه آهنگ نداریم» را می‌توان واکنشی به نگرانی‌های محتوایی دانست، نه نفی مطلق موسیقی. اما خطر آنجاست که این واکنش، به سیاست دائمی تبدیل شود. جایی که حذف، جایگزین تصمیم‌گیری تربیتی می‌شود.

پرسش نهایی این است: آیا نظام آموزشی حاضر است مسئولیت دشوار مدیریت فرهنگی را بپذیرد یا ترجیح می‌دهد با ممنوعیت، از پیچیدگی مسئله عبور کند؟ تجربه و علم هر دو یک پاسخ مشترک دارند: ممنوعیت آسان است، اما تربیت، هرگز.

✎ مسئول پیشین برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی و هنری در آموزش و پرورش

طنزخوانی

اخبار امروز کشور



آردین سیارسریع

خبر اول: نماینده الیگودرز: آقای قالیباف، با آجیل یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومانی چگونه به مردم شب یلدا را تبریک بگوئیم؟

راه‌حل: سعی کنید رودررو نشوید. زنگ هم زنید. مثل دولت که شب عید پیامک تبریک می‌دهد، پیامک آماده بفرستید. بعد سریع پلاک کنید.

درخواست: نماینده محترم در پایان پیامک لطفا آدرس مغازه‌ای که آجیل یک میلیون و دوپیستی می‌دهد را قید کند. با تشکر.

خبر دوم: زیباکلام: هنوز دود از کنده طبقه متوسط بلند می‌شود.

نظر شخصی: کنده طبقه متوسط خیلی وقت است دیگر ریه ندارد. دکتر بهش گفته فقط [...].دود کن. ترجیحا هم تهران نمان، برو شمال. همین روال را بخواهی ادامه بدهی شش ماه بیشتر زنده نیستی. نتیجه‌گیری: شرایط جوری است که دیگر همه قبول داریم طبقه متوسط بخار سابق را ندارد. فقط یک دود کوچولویی می‌آید و می‌رود.

خبر سوم: رئیس کمیسیون آموزش مجلس: مجوز استخدام ۲۰ هزار بابای مدرسه صادر شده است.

یک مقام غیرمسئول از همین باره گفت: خوشبختانه مشکلی از بابت تأمین بابای مدرسه نداریم. از بس بابای مردم را درآورده‌ایم انبارها پر از بابا شده که قرار است بخشی از این باباها را به مدارس تزیین کنیم.

خبر چهارم: مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه و وزارت بهداشت با هشدار نسبت به پیامدهای افزایش قیمت مواد غذایی، به‌ویژه لبنیات و منابع پروتئینی و حذف آن از سبد غذایی مردم گفت گرانی مواد غذایی، سلامت تغذیه‌ای مردم را تهدید می‌کند.

واکنش: این چه حرفیه می‌زنی مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه و وزارت بهداشت؟ ما گوشت رو حذف کردیم، دیگه چهار لیتر شیر و ماست که این حرفا رو نداره. اصلا خودتو ناراحت نکن. اگه وسعت می‌رسه دوفتو بنوش.

خبر پنجم: هشدار پلیس درباره اپلیکشن‌های جعلی بانکی

ایرنا: خسنگی: هرکرا ۲۴ساعته و

خسنگی‌ناپذیر مشغول به کارند. یک روز پیامک جعلی سامانه ثنا، یک روز وارنر جعلی سود سهام عدالت، روز دیگر فلان

لینک بدافزار، جدیدا هم روزی ۲۰تا پیام

می‌آید در تلگرام با عکس دخترهای

خارجی که به فارسی می‌گویند حالت

چطوره؟ قربانت بروم. حالم اقدر نور خوب

نیست که گول تو را بخورم. دست بردارید.

البته از اینکه کلاهبردارها پیشرفت کرده‌اند

استقبال می‌کنیم. قبلا در پوشش برادران

دوست و همسایه پیامک می‌دادند که گنج

پیدا کرده‌اند. البته هنوز هم فعال‌اند ولی

گروه‌های جدیدی آمده‌اند که به هر حال

به فکر عناصر زیبایی‌شناسانه هم هستند

که این خود جای تقدیر دارد. دیدم یکی

در ایکس پرسیده بود مگر هنوز کسی

هست که گول اینها را بخورد؟ بله، هستند.

هرچقدر در خوردن گوشت و لبنیات

مشکل داریم، خوشبختانه در گول و بابای

مدرسه کمبودی حس نمی‌شود.

اتفاق‌خوانی

هدیه کریسمس ترامپ به خودش

رسانه‌ها از یک تغییر نام عجیب خبر دادند و آن را هدیه کریسمس ترامپ به خودش توصیف کردند. ترامپ نام مرکز هنرهای نمایشی «جان اف.کندی» یا «مرکز کندی» را به «مرکز ترامپ کندی» تغییر داد. هیئت‌مدیره «مرکز کندی» به ریاست «دونالد ترامپ» به تغییر نام آن رای داده‌اند. این مرکز در سال ۱۹۷۱ به احترام کندی نام‌گذاری شده بود. «جو کندی سوم»، «رابرت کندی جونیور»، و «جک شلاسبرگ» دیگر خویشاوندان «جان اف.کندی» تیم و ماریا شرایور خواهرزاده‌های کندی این اقدام ترامپ را محکوم کرده‌اند. «تیم شرایور» خواهرزاده کندی نوشت: «شاید هیئت‌مدیره نمی‌داند که «مرکز کندی» یادبودی برای «جان اف.کندی» رئیس‌جمهور ایالات متحده است. آیا آنها حاضرند بنای یادبود نیکلن را تغییر نام دهند؟ جفرسون چطور؟ تغییر نام توهینی به رؤسای جمهور بزرگ خواهد بود. این اقدام هم توهینی به یک رئیس‌جمهور بزرگ است».

یک سینما

طالبان سینما آریانای کابل را برای ساخت یک مرکز خرید تخریب کرد. عتیق رحیمی، نویسنده و فلم‌ساز افغانستانی، در این باره به خبرگزاری فرانسه گفت: «سینما آریانا ویرانه‌ای نبود که باید تخریب می‌شد، بلکه خطرهای بود که باید احیا می‌شد. این سینما یک‌بار در جنگ‌های داخلی نابود شده بود. این بار بدتر است آن را به نام مدرنیته پاک می‌کنند؛ مدرنیته‌ای بی‌روح، بدون تصویر و بدون سکوت مشترک در تاریکی».